

گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی شهر تفت از دوران صفوی تا اوایل پهلوی

محسن دهقانی تفتی^{*}

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

چکیده

معماری محلی به‌جای مانده در شهرها و آبادی‌های مختلف، بخشی از هویت سرزمینی ویژه هر مکان را شکل می‌دهد. علی‌رغم تلاش‌های زیادی که در سال‌های اخیر در معرفی و تحلیل این دسته از بناها شده، همچنان دانش ما از الگوهای معماری مناطق مختلف، مبنای و مبنای شکل‌گیری آن‌ها محدود است. این مقاله، با هدف شناخت و تحلیل الگوهای معماری خانه‌های بومی در شهر تفت، به عنوان یک آبادی باغ- محله‌ای در حاشیه کویر یزد، شکل گرفت. رویکرد روش‌شناسی پژوهش، کیفی و از نوع گونه‌شناسی است. در این مسیر، بر پایه تعریفی مشخص از گونه و روند گونه‌شناسی، بیش از یک‌صد خانه اصیل تاریخی شهر تفت، مستندنگاری و مورد تحلیل گونه‌شناسانه واقع شدند. خانه‌های تاریخی تفت بر مبنای شما یا تصویر کلی که توسط اندام‌های کالبدی و آرایش فضایی از خود ارائه دادند، در چهار گونه تالاردار، شکم‌دریده، صفه‌دار و کوشکی بازشناسی و نحوه انتخاب و تنظیم‌گری آن‌ها توسط معماران در موقعیت‌های مختلف تبیین شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ در یک مکان، عوامل متعدد محیطی، فرهنگی، اجتماعی و معیشتی به صورت همگن در پیدایش، رشد و تغییر گونه‌های معماری محلی و به‌کارگیری آن‌ها در موقعیت‌های مختلف نقش داشته‌اند. همچنین در برخی مواقع امکان ورود یکباره گونه‌های مسافر و ناآشنا با یک محیط نیز بوده است. گونه‌های مسافر با قرارگیری در اتمسفر آن مکان و با تجربه ساختی که معماران از گونه‌های دیگر داشتند، مورد اصلاح و تغییر در دو سطح "ساده یا مقدماتی" و "ثانویه و پیچیده" واقع می‌شدند.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، الگوی ساخت معماری، شهر تفت یزد، خانه‌های تاریخی تفت.

۱. مقدمه

معماری خانه‌های تاریخی در ایران که ذیل عنوان معماری بومی یا معماری محلی جای می‌گیرند، دارای ارزش‌های نهفته بسیاری از جنبه کالبدی و معنایی هستند. این دسته از بناها که غالب ساخت و سازهای یک بوم را شکل می‌دهد، بیان فیزیکی زیست-جهان و شیوه زندگی اهالی آن بوم بوده (Rapoport 2009) و در برگیرنده تجربیات و راهکارهای معماری بکر و دست اول می‌باشد. از این رو شناسایی این تجربیات منحصربه فرد در هر منطقه یا بوم، از اهمیت ویژه برخوردار است و ما را وارد دنیای عمیقی از اطلاعات با طعم‌های متنوع می‌نماید. بدین منظور نیز با نگرش‌های مختلف، پژوهش‌های فراوانی در مطالعه خانه‌های بومی ایران شکل گرفته و یافته‌های ارزشمندی حاصل آمده است. برای نمونه، در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، خانه‌های برخی از مناطق بومی با تمرکز بر نگاه اقلیمی مورد بررسی قرار می‌گیرد (e.g., Tavassoli 1981; Rahimieh and Roboubi 1974). در این جا مبنای تحلیل خانه‌ها، عناصر اقلیمی مشترک می‌باشد. بررسی‌های اقلیمی معماری بومی با روش‌ها، فنون و ابزارهای جدید تا امروز نیز در جریان است.

در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، مطالعه خانه‌های بومی با نگاه گونه‌شناسانه و با هدف دستیابی به الگوهای مناسب برای طراحی سکونتگاه‌های جدید، رواج می‌یابد. در این میان، در دو سازمان دولتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان تحقیقات ساختمان و مسکن، مطالعات متعددی پیرامون مسکن بومی با تمرکز بیش‌تر بر خانه‌های روستایی انجام می‌شود. گونه‌شناسی مسکن روستایی استان‌های خوزستان (Habibi et al. 1986)، ایلام (Habibi et al. 1988)، چهارمحال بختیاری (Habibi et al. 1988)، خراسان (Alalhesabi 1993)، مازندران (Raheb and Tarkashvand 2011)، و غیره تنها بخشی از تلاش‌هایی است که در معرفی و تحلیل خانه‌های بومی ایران انجام شده است.

در مطالعات گونه‌شناسی، معماریان (۱۹۹۴) در دو جلد کتاب با عنوان «آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه درونگرا و گونه برونگرا»، با نقد تفکر مادی و جبرگرایانه غرب در روند گونه‌شناسی و اعمال تغییراتی در آن، به صورت گسترده‌تر خانه‌های بومی شهرها و آبادی‌های تاریخی و پراهمیت ایران را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در این مطالعه، با ملاک قرار گرفتن عامل درون‌گرایی و برون‌گرایی کالبدی و در چارچوبی آزاد، خانه‌های تاریخی بوشهر، شیراز، یزد، زواره، گیلان، ابیانه و ماسوله، بررسی و طرح کلی گونه‌شناسی از آن‌ها ارائه می‌شود. پژوهش‌های گونه‌شناسی مسکن بومی با تعاریف متفاوت از گونه و گونه‌شناسی تا امروز ادامه یافته و هر یک با معیارهایی به طبقه‌بندی آثار یا ارائه الگوی‌هایی برای ساخت معماری در مقیاس کل یا اجزاء پرداخته‌اند (e.g., Ghasemi Sichani).

and Memarian 2011; Mahmoudinejad 2009; Khakpour et al. 2010; Soltanzadeh and Ghaseminia 2012; Rahimipour et al. 2020; Balali Oskoyi and (Dehghan 2021; Memarian 1998).

همچنین پژوهش‌های دیگری نیز در مسکن بومی با نگرش‌های فرهنگی، اجتماعی، مردم‌شناسانه، رفتار فضایی و غیره انجام گرفته است (e.g., Bromberger 1991; Fardanesh et al. 2022; Kamalipour et al. 2012; Memarian et al. 2010; Mazumdar and Mazumdar 1997; Mazumdar and Mazumdar 1997; Formolly and Saraei 2024; Askarizad 2018).

علی‌رغم وجود همه این مطالعات، به دلیل گستره وسیع و تنوعی که این بخش از آثار معماری ایران داشته، همچنان سهم پژوهش‌ها ناچیز است؛ به‌ویژه آن‌چه در ارتباط با معماری خانه‌های بومی واقع در آبادی‌ها و شهرهای کوچک صورت پذیرفته است. این دسته از بناها، غالباً به دلیل مهجور و ناشناخته ماندن ارزش‌هایشان و بی‌توجهی مسئولین حفاظت از میراث فرهنگی، دچار تخریب‌های گسترده شده و تا چندین سال آینده این منابع اطلاعاتی ارزشمند و هویت‌ساز به‌طور کامل از دست خواهند رفت. مسئله دیگر که با مرور بخشی از مطالعات انجام‌شده به‌چشم می‌آید، نارسایی در شیوه و چگونگی مطالعه خانه‌های بومی است. اگر بپذیریم که مسکن بومی هر مکان، پدیده‌ای منحصر به فرد و برآمده از تجربیات اختصاصی یک محل در ساخت است، پس شناسایی و استخراج آن دسته از ویژگی‌های کالبدی-فضایی و عوامل ایجاد آن که سبب این امر شده، در اولویت و حائز اهمیت است؛ این در حالی است که در برخی از پژوهش‌ها، یافته‌های به‌دست آمده عمومی بوده و امکان تشخیص و مرزشناسی معماری محلی آن منطقه با مناطق مشابه اطرافش که در یک محدوده جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی نزدیک به هم واقع شده‌اند، میسر نیست. این ضعف می‌تواند، به دلیل میزان حساسیتی باشد که روش‌های مطالعه در بررسی آثار معماری، پیش رو نهاده‌اند.

در این نوشتار، مطالعه خانه‌های تاریخی شهر تفت مدنظر قرار گرفت. شهر تفت، سکونتگاهی زیبا و کوچک با ساختار باغ-محلای بوده که در مجاورت شهر تاریخی یزد و در مسیر عبور قنات‌های آبرسان به این شهر در حاشیه بیابان، واقع شده است. از خانه‌های تاریخی شهر تفت که بازنمایی واقعی از دنیای ساکنین آن است، تاکنون هیچ‌گونه مطالعه خرد یا کلانی در دست نیست؛ با وجودی که تقریباً بافت تاریخی و طبیعی خودش را حفظ کرده و دارای ساکنینی است که خاطراتی از تجربه زیستن در بافت و فضاها تاریخی آن را با خود به همراه دارند. جنبه دیگر از اهمیت انجام این کار، زمینه‌سازی برای مقایسه و هم‌سنجی معماری این شهر با سکونتگاه‌های مجاور خود در نظام خرده اقلیمی و خرده فرهنگی است. از مهم‌ترین این سکونتگاه‌ها شهر تاریخی یزد است که دانش مناسبی

1978). گونه را می‌توان به نمایندگی آن چه عمومیت دارد، مطرح کرد. گونه خمیره و جوهر معماری بوده و معرف زیست-جهان روزانه باشندگان و حالت‌های پایه‌ای زندگی در یک مکان می‌باشد. آثار منفرد معماری نیز با تغییر اندک حول همان مایه‌ای گونه‌شناختی، سازگاری با زمان و موقعیت استقرارشان را به نمایش می‌گذارند (Norberg-Schulz 1984). گونه معماری با بهره‌جویی از اندام‌های کالبدی با آرایش فضایی مشخص، در نهایت در قالب یک شما یا تصویر ساده و کلی شخصیت و تحقق می‌یابد (Memarian 2014). این تصویر کلی، در ذهن معماران گذشته نیز وجود داشته و بر اساس آن به طرح‌ریزی الگو-مبنای یک بنا در زمین و زمان مشخص، اقدام می‌کردند.

در این جا «اندام‌های فضایی، اندام‌های سازه‌ای، نماها و آرایه‌ها» به عنوان اندام‌های کالبدی، و نحوه آرایش و انتظام‌شان در خود و با یکدیگر، یک شاکله را می‌سازد، که به نماینده گروهی از بناها تبدیل خواهند شد که به آن «گونه» اطلاق می‌شود. گونه واقعیت‌های ناملموس و عمیق‌تری از وجوه کالبدی نیز دارد؛ هر چند این واقعیت‌ها در نهایت در قالب یک کالبد بروز و ظهور می‌یابد. به بیانی دیگر، در لایه‌های پسین اندام‌های فیزیکی، یک‌سری نقشه‌های معنایی-کالبدی با عنوان «طرح‌واره‌ها» جای دارند که برخاسته از زیست-جهان مردم آن مکان است. این طرح‌واره‌ها، راه‌حلی هستند که در یک گونه از بنا سازمان یافته و با اندام‌های مختلف تحقق می‌یابند؛ نظیر طرح‌واره اقلیمی-معماری، حریم، فعالیت‌های روزمره، ارتباط با طبیعت، پدرسالاری و غیره (شکل ۱). شناسایی طرح‌واره‌ها در هر بوم، از فهم تجربه زندگی اهالی آن بوم حاصل می‌شود و محقق را با منطق ایجاد و کاربرد فضاها و حس زیستن در اندام‌های معماری آشنا می‌نماید. آگاهی به این احساسات و تجربیات در کنار اندام‌های کالبدی، معنای گونه را از یک تعریف صرفاً مادی و سه بعدی از بنا، خارج ساخته و آن را به منابع مذهبی و فرهنگی، آداب و رسوم، معیشت و اقلیم پیوند می‌زند (Ibid).

از معماری بومی آن موجود است. تطبیق معماری این زیستگاه‌ها و شناسایی راهکارهای ویژه معماری در هر مکان درس‌های ارزشمندی برای طراحان معماری در بردارد.

مطالعه حاضر با هدف شناخت عمیق و دستیابی به وجوه کالبدی و معنایی منحصر به فرد در خانه‌های تاریخی شهر تفت شکل گرفته است. رویکرد روش‌شناسی در این مطالعه کیفی و از نوع گونه‌شناسی است. در مسیر انجام کار، ابتدا به مبانی نظری گونه و گونه‌شناسی که مبنایی برای تحلیل و واکاوی خانه‌ها بوده، پرداخته می‌شود. در گام بعدی کالبد معماری شهر تفت در مقیاس‌های مختلف در تناسب با عوامل شکل‌دهنده آن از منظر جغرافیای محیطی، آب، مباحث فرهنگی-اجتماعی و معیشتی، توضیح داده می‌شود. در نهایت نیز تحلیل گونه‌شناسانه خانه‌های تاریخی تفت بر پایه داده‌های مستندنگاری شده ارائه شده و نحوه به‌کارگیری هر یک از گونه‌ها در اوضاع و احوال مختلف به عنوان یک الگوی ساخت، تبیین می‌شود.

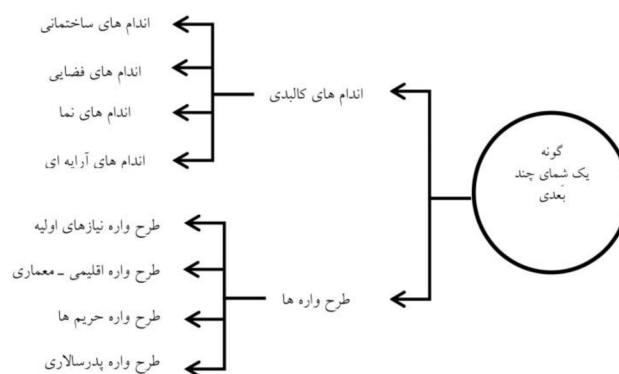
۱-۱- سوال‌های پژوهش

۱. گونه‌های مختلف معماری در ساخت خانه‌های تاریخی شهر تفت از دوران صفوی تا اوایل پهلوی کدامند؟
۲. گونه‌های معماری مسکن در شهر تفت دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی بوده و در چه موقعیت‌هایی به عنوان یک الگوی ساخت، به‌کار گرفته شده‌اند؟

۲. مبانی نظری گونه و گونه‌شناسی

در گفتمان گونه‌شناسی، تعاریف متعددی از ماهیت و مفهوم گونه به عنوان یک تصویر ساده و کلی که گروهی از ساختمان‌ها را نمایندگی می‌کند (Caniggia 1963, 17)، بیان شده که گاهاً جنبه‌های شکلی این تعاریف بر ابعاد معنایی و ناملموس آن پیشی می‌گیرد (Memarian and Dehghani Tafti 2018). گونه‌ها بستری برای حفظ و یادآوری تجربیات معماری بوده و حافظه جمعی معماران و مردم در طول تاریخ در آن ضبط و ثبت است (Moneo).

شکل ۱: تعریف پیشنهادی گونه به عنوان شمایی مرکب از اندام‌های کالبدی و طرح‌واره‌ها



(Memarian 2014)

۳. روش انجام پژوهش

در مطالعه گونه‌شناسانه خانه‌های تاریخی شهر تفت بر مبنای تعریف ارائه‌شده از گونه، بیش از یک‌صد خانه اصیل تاریخی شهر تفت، متعلق به دوران صفویه تا اوایل پهلوی، در طول یک دهه مستندنگاری و مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند و با معیارهایی نظیر نشانه‌گذاری خانه‌های تاریخی و اصیل بر اساس عکس‌های هوایی موجود از شهر در سنوات مختلف، نشانه‌های کالبدی قابل رویت از بیرون بنا (همچون سردر خانه، بادگیر، ساباط و غیره)، معرفی و توصیه اهالی به مشاهده، متنوع بودن نمونه‌ها (از جهت ویژگی‌های ساخت، قرارگیری در محله‌های مختلف، موقعیت استقرار در بستر و غیره)، و در نهایت انتخاب آن خانه با حضور و مشاهده مستقیم بنا توسط محقق آشنا با محیط، انجام می‌گیرد. در این مطالعه، حجم نمونه‌های انتخابی به اندازه‌ای است که با اضافه شدن بناهای بیشتر، تغییر اساسی در نتایج گونه‌شناسی ایجاد نگردد. بعد از شناسایی و انتخاب خانه‌ها، به دلیل عدم وجود مدارک فنی و اطلاعات حداقلی از آن‌ها، مستندنگاری با رویکرد گونه‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد. گروه‌های برداشت‌کننده، پس از ورود به هر خانه، مشخصات کلی آن بنا شامل آدرس، پلاک ثبتی، قدمت بنا، مالک قدیم و جدید، شهرت بنا، وضعیت کیفی و سلامت بنا و غیره را ثبت کرده و به منظور برداشت کالبدی بنا اقدام به تهیه نقشه‌های دو بعدی، عکس، فیلم و سپس مدلسازی سه بعدی بنا می‌کنند. در جهت شناسایی و استخراج طرحواره‌ها نیز از ساکنین قدیمی خانه‌ها یا کسانی که تجربه زیستن در آن بناها را داشتند، مصاحبه کیفی نیمه‌ساختار یافته در چارچوبی مشخص و با پرسش‌نامه‌ای از پیش آماده شده، به عمل می‌آید.

بعد از اتمام کار میدانی، به منظور بازآفرینی شاکله و شمای کلی ساخت خانه‌ها، داده‌های مستندنگاری کنار یکدیگر واقع شده و مورد تحلیل و بازشناسی قرار

می‌گیرند. در نهایت نیز قالب‌های اصلی و زیرگونه‌های معماری در ساخت خانه‌های شهر تفت تعیین و قابلیت‌ها و ویژگی‌های معماری هر یک معرفی می‌شود.

۴. معرفی اجمالی شهر تفت و خانه‌های آن

شهر تفت یکی از زیستگاه‌های تاریخی واقع در پهنه کویری مرکز ایران بوده که در مجاورت شهر تاریخی یزد و در مسیر ارتباطی یزد به شیراز واقع شده است. در این محدوده جغرافیایی، سکونت‌گاه‌های متنوعی متناسب با ریخت‌شناسی بستر قرارگیری، محدودیت‌ها و استعدادهای محیطی موجود و همچنین ویژگی‌های انسانی زمینه، شکل گرفته‌اند. تفت در کوهپایه ارتفاعات شیرکوه و مابین دو رشته کوه واقع شده و از دیرباز یکی از اصلی‌ترین مسیرها در تغذیه آب دشت یزد محسوب می‌شده است (شکل ۲). این شهر دارای کشیدگی در راستای شرقی- غربی بوده و محله‌های شهر در امتداد مسیلی که از میان شهر عبور می‌کند، استقرار یافته است. باغ‌های فراوان، کوه‌های اطراف شهر و نزدیکی به ارتفاعات شیرکوه، آب و هوای تعدیل‌شده‌تری برای تفت نسبت به آب و هوای گرم و خشک شهر یزد، رقم زده‌اند. احمد ابن کاتب مورخ قرن نهم هجری قمری در توصیفی جامع از شهر تفت چنین می‌گوید: «بدان که تفت قریه‌ای است در پنج فرسخی یزد در میان کوه واقع گشته و اصل این قریه دو محله است: یکی بر دامن کوه پیوسته، بیوتات و باغات متصل یکدیگر طولانی به قرب یک فرسنگ و آن را محله گرمسیر خوانند، و بیوتات و بساتین و مسجد جمعه و حمام و آسیا در آن محله است و مردم بیش‌تر در آن محله باشند؛ و بر یسار این محله، محله‌ای دیگر است که آن را سردسیر خوانند و محلتی معظم و معمورست. و در میان این دو محله رودخانه‌ی عظیم است و هر محله بر طرفی از رودخانه واقع گشته و هوای قریه‌ی تفت در غایت اعتدال است و صحت و سلامت، و در آن هوا بیماری و ضعف کم‌تر باشد ...» (Kateb 1978, 215) (شکل ۳).

شکل ۲: موقعیت قرارگیری شهر تفت در مسیر یزد به شیراز و در مسیر آبرسانی شیرکوه به دشت یزد



برگرفته از: (<https://www.map.google.com> 2026)

شکل ۳: قرارگیری شهر تفت در دره و کشیدگی شرقی- غربی آن و تشکیل دو ناحیه گرمسیر و سردسیر در طرفین مسیل میانی

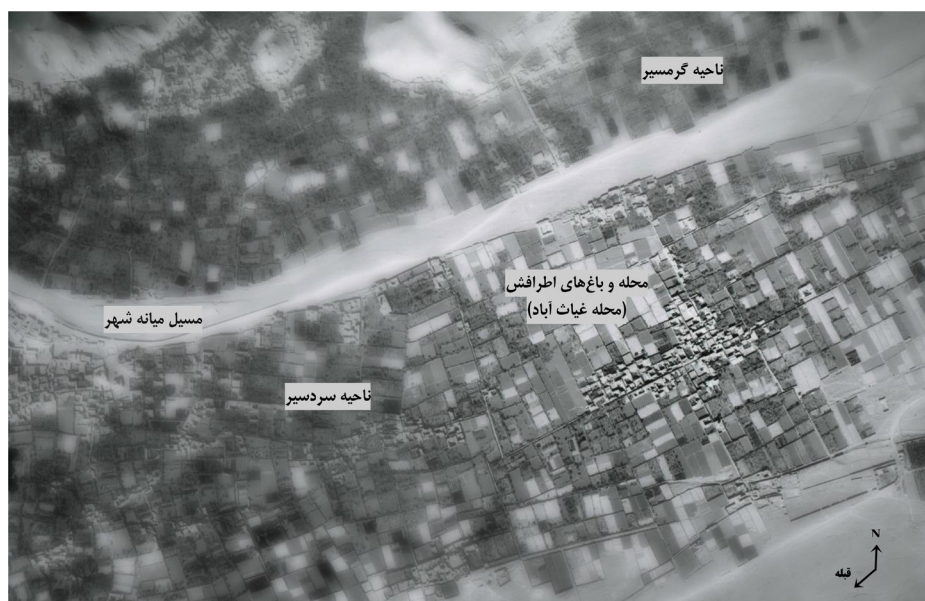


برگرفته از: (<https://www.map.google.com> 2026)

که نام قدیم شهر تفت است) دهی است به‌غایت خوش و روستاهای فراوان و میوه‌های بسیار دارد چنان‌چه بعضی به اصفهان می‌برند و در کوه‌های ایشان بسیار درختان نباتات است و غالب بر اهل یزد ادب و خط است» (Jeihani 1989: 115). خودکفایی و مستقل بودن، در مقیاس کالبد محله‌ها نیز مشهود است. هر محله، در داخل بافت سکونت خود بناهای عمومی نظیر آب انبار، آسیاب، مسجد، مدرسه، قبرستان و حمام را جای داده و با قرارگیری باغ‌های همان محله در اطراف آن، مرزهایی مشخص با محله‌های مجاور ایجاد شده است (شکل ۴).

ساختار کالبدی شهر تفت باغ- محله‌ای است؛ ابنیه محله در یک‌جا متمرکز شده و باغ‌های محله بی‌فاصله در اطراف آن استقرار یافته‌اند. در نگاه اول، این یک ساختار کالبدی است، اما در درون آن مباحث معنایی، فرهنگی و همیاری و همزیستی‌های اجتماعی و معیشتی متعددی برای ادامه حیات، جریان دارد. وجود باغ‌ها نشان از زندگی تولیدمحور و خودکفای مردم شهر داشته و از گذشته زن و مرد در کنار هم به فعالیت در باغ‌ها و پرورش دام، طیور و کرم ابریشم مشغول بوده‌اند. جیهانی در قرن چهارم از شهر تفت چنین می‌گوید: «و این (قریه قلعه المجوس یا قلعه

شکل ۴: ساختار باغ- محله‌ای شهر تفت؛ در این ساختار هر محله با باغ‌های اطرافش در دو ناحیه گرمسیر و سردسیر استقرار یافته‌اند.



برگرفته از: (سازمان نقشه‌برداری، عکس هوایی شهر تفت سال ۱۳۳۵)

با حیاط میانی به وقوع می‌پیوندد. اما همان‌طور که بیان شد، امکان مشاهده مناظر بیرون نیز از بخش‌های داخلی خانه به‌ویژه اتاق‌هایی که در طبقه اول (اتاق‌های بالاخانه) یا روی ساباط‌ها ساخته شده، وجود دارد (شکل ۵). هر چند در نگاه اول به نظر می‌رسد عوامل محیطی در انتخاب راهبرد درون‌گرایی نسبی در خانه‌های تفت موثر باشند، اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان به تاثیرگذاری نحوه نگرش، ارزش‌ها و باورها، شیوه زندگی و شکل و میزان ارتباطات اجتماعی شهر بر انتخاب این راهبرد کالبدی نیز پی برد.

بافت سکونت‌محله‌ها متراکم است، اما نه به فشردگی و محصوریت بافت تاریخی شهر یزد. راهبرد معماری در نفوذ متقابل در محیط و برقراری ارتباط بین درون و بیرون، درون‌گرایی نسبی است؛ با این توجیه که از یک‌سو آب و هوا اجازه گسترده و باز شدن معماری را نمی‌دهد و از سویی دیگر وجود مناظر زیبا از باغ‌های مستقر در اطراف محله، تمایل زیادی از درون برای مشاهده بیرون ایجاد می‌کند. در این وضع، خانه‌هایی با حیاط مرکزی شکل گرفته که غالب اتفاقات، در درون خانه و در پیوند

شکل ۵: بهره‌گیری از راهبرد درون‌گرایی نسبی در ارتباط درون با بیرون در خانه‌های تفت؛ در این راهبرد امکان مشاهده مناظر طبیعی پیرامون از طبقه اول خانه و ساباط‌ها فراهم شده است.



سازه‌های معماری غالباً خشتی و طاقی است و آسمانه‌ها با طاق آهنگ، کلمبو و کژاوه پوشیده شده‌اند. از چوب نیز در کلاف‌بندی دیوارها، پوشش سقف ایوان‌ها و اتاق‌های واقع‌شده در طبقه بالا، استفاده شده است. رنگ غالب در معماری شهر تفت، رنگ خاکی است که در زمینه سبز رنگ باغ‌ها نشسته است. پشت بام‌ها و جداره‌های بیرونی در کوچه‌ها، کاهگلی بوده و پوشش نهایی در نماهای داخلی در حیاط سیمگل می‌باشد. نماهای داخلی خانه در حیاط، در راستای افقی و عمودی دارای نظم و قاب‌بندی هستند. در نظم افقی، نما با یک ازاره آجری از زمین برخاسته و با بدنه‌ای از جنس سیمگل امتداد یافته و در بخش انتهایی با یک رخیام یا شرفه آجری به آسمان می‌پیوندد. در نظم عمودی هم متناسب با اندازه و بزرگی نما، غالباً قاب‌بندی‌های مقارنی انجام شده و در درون این قاب‌ها، بازشوهایی قرار گرفته است (شکل ۶). خانه‌های تفتی از منظر استفاده از آرایه‌ها، سادگی را در پیش گرفته و تزئینات پیچیده‌ای در بناها قابل رویت نیست.

ظرفی که بخش زیادی از زندگی اهالی تفت در آن به وقوع می‌پیوندد، فضاهای درونی خانه است؛ زندگی با زمین، آسمان، فصل‌ها، اهل خانه، مهمان، باغ، دام و غیره. این زندگی، نهایتاً در مجموعه‌ای از فضاها همچون تالار، اتاق شکم‌دریده، طنبی، اتاق‌های یک، دو و سه‌دری، اتاق بالاخانه، زیرزمین، بام، مطبخ، حوضخانه، پاکنه و طویله، هر یک با کارکردهای متنوع، انجام می‌شده است. این فضاها در آرایش و پیکره‌بندی مشخص، در یک، دو یا نهایتاً سه بر پیرامون یک حیاط و در لایه‌های مختلف نسبت به آن قرار گرفته و زندگی در بستر زمان در آن جریان می‌یافته است. خانه‌های تفتی غالباً تک‌حیاطی است و کشیدگی حیاط آن در راستای قبله و یا عمود بر آن است. این خانه‌ها علاوه بر زیرزمین، در یک یا دو طبقه ساخته شده‌اند.

ساخت‌مایه‌ها در معماری خانه‌های تفت بر پایه گل بوده و به صورت محدودتری از چوب و سنگ استفاده شده است. گل مورد نیاز نیز اغلب از همان زمینی که قرار بوده در همان‌جا بنا ساخته شود، فراهم می‌شده است.

شکل ۶: عکس سراسرنما از سه جبهه خانه زراقیان واقع در محله گرمسیر تفت



عکاس: (نازلی جعفریگی، اردیبهشت ماه ۱۳۹۴)

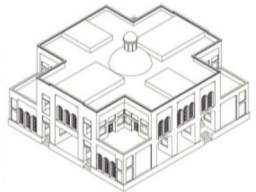
۵. گونه‌های ساخت مسکن بومی در شهر تفت

تاکنون از برخی ویژگی‌های پایه‌ای معماری به عنوان مخرج مشترک تمامی گونه‌های ساخت در شهر تفت یاد شد. در این‌جا به معرفی و تشریح گونه‌ها یا قالب‌های متنوع ساخت یک خانه در تفت پرداخته می‌شود. تنوع گونه‌های ساخت در شهر تفت دلالت بر وجود تنوع در بستر و شیوه‌های سکونت در آن دارد؛ در یک نگاه کلان، اهالی تفت از جنبه معیشت، اقتصاد، شأن اجتماعی، اندازه و موقعیت قرارگیری زمین - این‌که زمین در میان بافت باشد یا در مرز محله و در اتصال به باغ‌ها، در بستر شیب‌دار قرار گرفته یا زمین مسطح- و حتی نوع درخواست و انتخاب شخصی‌شان، با هم متفاوتند. این تنوع اجتماعی- فرهنگی در کنار تنوع محیطی بستر استقرار بنا، سبب شده تا معماران راهبردها و راهکارهای مختلفی در ایجاد، ترکیب و انتظام‌بخشی به فضاهای معماری به‌کار گیرند. به طور کلی، خانه‌های تفت را می‌توان در دو دسته «خانه‌های طبیعی یا عرفی» و «خانه‌های سبکی» تقسیم

نمود. خانه‌های طبیعی یا عرفی همان‌طور که عیسی حجت (۲۰۱۲) می‌گوید؛ ابتدایی‌ترین گونه‌های معماری در یک بستر هستند که ایجاد آن‌ها متکی بر طرحی از پیش‌اندیشیده یا الگویی مشخص نیست؛ بلکه به مقتضای طبع و سرشت مصالح، عناصر و اجزا، و در هماهنگی با محیط و همراهی با نیازهای اولیه ساکنین، شکل گرفته است. این دسته از خانه‌ها که ارزش‌های فراوانی در آن‌ها نهفته است، موضوع گونه‌شناسی در این مطالعه نمی‌باشد. بخش سبکی معماری خانه‌های تفت که به‌واسطه تجارب پیشین و گسترش توانمندی‌های ساخت ایجاد شده، در چهار گونه اصلی قابل‌بازشناسایی است؛ ۱- گونه تالاردار، ۲- گونه شکم‌دریده، ۳- گونه صفه‌دار و ۴- گونه کوشکی (جدول ۱). در سه گونه اول، حیاط یا باغ به عنوان فضایی باز در میان یا جلوی خانه جای گرفته و در گونه کوشکی، بنا در میان باغی بزرگ استقرار می‌یابد و با دیوارهای پیرامونی باغ، محدوده خانه تعیین می‌شود.

جدول ۱: چهار گونه اصلی ساخت خانه در شهر تفت

گونه اصلی	زیرگونه	پلان گونه	سه بعدی گونه	تصویر خانه
گونه‌های ساخت در مسکن بومی شهر تفت	صفه‌دار			
	شکم‌دریده			

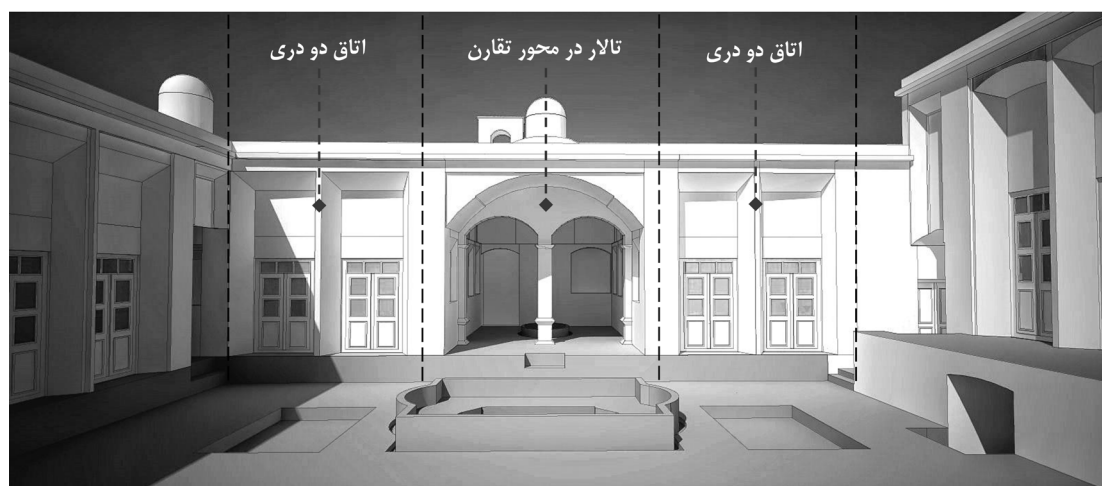
گونه اصلی	زیرگونه	پلان گونه	سه بعدی گونه	تصویر خانه
گونه‌های ساخت در مسکن بومی شهر تفت	حیات مرکزی	تالاردار		
	کوشکی	کوشکی		

۵-۱- گونه تالاردار

می‌گیرند، طاق آهنگ یا کلیل بوده و اغلب نمایی سه یا پنج‌بخشی رو به حیاط ایجاد می‌کنند (شکل ۷). در این گونه ساخت، تالارها در راستای ایجاد مطبوعیت بیش‌تر قابلیت ترکیب بی‌واسطه با فضاهایی دیگر نظیر حوض‌خانه و بادگیر را دارند. در زیر تالار نیز زیرزمین قرار داشته که غالباً در ظهرهای تابستان مورد استفاده بوده است. این شمای کلی در بسیاری از خانه‌های تالاردار در مناطق مرکزی ایران قابل رویت است. اما به‌طور خاص، مهم‌ترین دلیلی که سبب تمایز در طعم و شخصیت خانه‌های تالاردار تفتی با سایر خانه‌های تالاردار می‌شود، پیکره‌بندی فضایی خانه با محوریت محل استقرار تالارها و عملکرد آن‌ها است.

خانه‌های تالاردار رایج‌ترین و عامیانه‌ترین گونه ساخت در شهر تفت می‌باشند. حضور تالار به عنوان فضایی نیمه‌باز با آسمانه طاقی (طاق آهنگ) که غالباً در مرکزیت جبهه اصلی بنا واقع شده و با حیاط در میان یا باغ جلوی خانه در ارتباط مستقیم است، شناسه عمومی این گونه می‌باشد. در ساخت این گونه، در کنار تالار در لایه اول پیرامون حیاط، با رعایت اصل تقارن فضاهای دیگری نظیر راهروها و اتاق‌های یک، دو و سه دری قرار می‌گیرد (البته در صورتی که ابعاد و اندازه‌های زمین، اجازه ساخت به صورت متقارن را می‌داد). در این نظام استقرار، پوشش آسمانه فضاها که در پی همدیگر در اطراف حیاط قرار

شکل ۷: نظام سازه‌ای و نمای سه بخشی در یک خانه گونه تالاردار؛ در این گونه تالار در محور تقارن قرار گرفته و از طرفین به صورت متقارن فضاهای دیگر به آن اتصال می‌یابد.



بر حیاط یا به صورت همزمان دو تالار در دو بر حیاط واقع می‌شود؛ ۲- در برخی خانه‌ها، دو تالار یکی در تراز

تعداد و محل قرارگیری تالارها در خانه‌های تفتی بسیار متنوع است: ۱- در برخی نمونه‌ها، یک تالار در یک

در پیوستگی با کوه‌های شمالی شهر قرار گرفته و دارای شیب زیاد می‌باشند، خانه‌هایی یک یا دو طبقه به صورت خطی در امتداد مسیر عبور قناتی به نام «شاه‌جو» شکل گرفته و تالاری رو به آفتاب و منظر سبز شهر دارند. با توجه به آفتاب‌رو بودن تمام فضاهای رو به حیاط، در یک لایه عقب‌تر فضاهایی برای استفاده در تابستان نیز ایجاد شده است. از این رو ساکنین این خانه‌ها در تمام اوقات سال، برخلاف نمونه‌های مرسوم دیگر در مناطق کویری، در همان یک جبهه ساختمانی حضور داشته و جابجایی فصلی ندارند. در نمونه‌هایی دیگر، در بخش‌هایی از تفت که زمین‌های مسطح با ابعاد بزرگ وجود داشت، خانه‌های تالاردار از الگوی حیاط مرکزی پیروی کرده و بسته به شرایط زمین و نیازهای کارفرما، دارای یک، دو، سه و در مواردی بسیار محدود چهار جبهه ساختمانی در اطراف حیاط بودند. محل استقرار تالار در این خانه‌ها بیش‌تر تابعی از ابعاد و راستای کشیدگی زمین می‌باشد (شکل ۸).

ارتفاعی حیاط و دیگری در طبقه بالا بر روی بام ایجاد شده است؛ ۳- در مواردی تالار در نماهای پشت به آفتاب یا حتی رو به آفتاب قرار می‌گیرد و نیز ترکیب‌هایی از سه حالت گفته‌شده، انعطاف‌پذیری در محل استقرار تالار، سبب شده تا امکان استفاده از این گونه در زمین‌های با اندازه و موقعیت قرارگیری در بسترهای مختلف، میسر باشد. البته می‌توان این موضوع را به نحوی دیگر نیز روایت کرد که تنوع بستر استقرار معماری در شهر تفت، باعث ایجاد تغییر و تنوع در به‌کارگیری گونه‌های ساخت معماری شده و در این اوضاع، به‌کارگیری گونه تالاردار با قابلیت انعطاف و تغییرپذیری بالا، در اولویت معماران بوده است (جدول ۲).

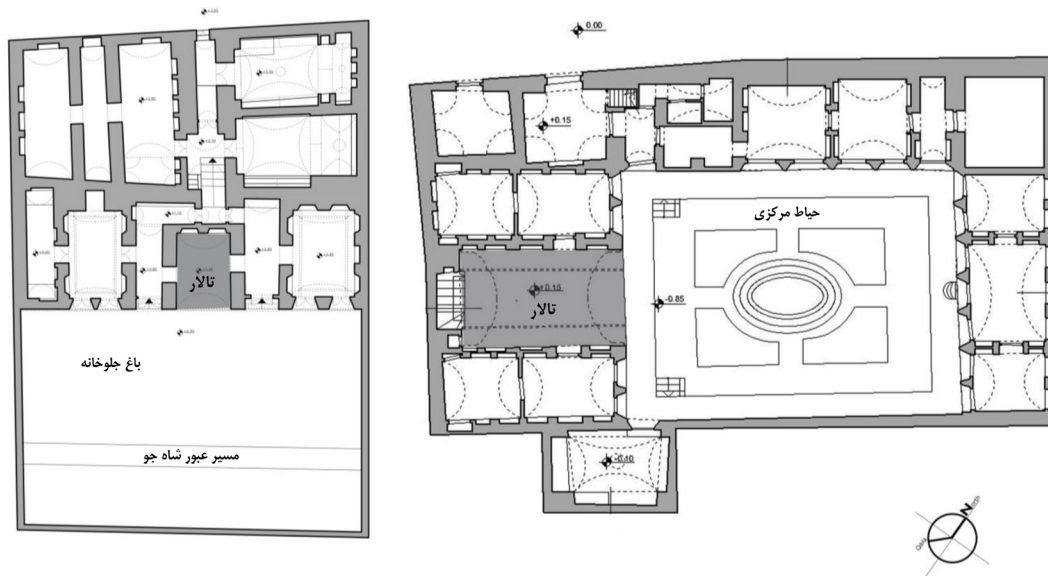
در هر حال، ساخت خانه در شهر تفت در یک موقعیت مکانی مشخص، همواره تحت تاثیر عوامل محیطی نظیر ابعاد، تناسبات و کشیدگی زمین، ریخت‌شناسی بستر قرارگیری، دید و منظر به باغ‌ها، دریافت نور مناسب و دسترسی به آب، بوده است. به طور مثال، در ناحیه گرمسیر تفت (بخش آفتاب‌گیر شهر) در زمین‌هایی که

جدول ۲: تنوع در محل استقرار تالار در نظام فضایی خانه‌های گونه تالاردار در شهر تفت؛ موقعیت تالار در خانه با رنگ برجسته شده است.

تالار پشت به آفتاب در جهت قبله		تالار پشت به آفتاب عمود بر جهت قبله		تالار رو به آفتاب	
مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک با جانمایی تالار	مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک با جانمایی تالار	مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک با جانمایی تالار
اعلائی ۱ بازار		بادامی غیاث آباد		آقا ضیاء دربندمیرزا	
اعلائی ۲ بازار		بادگیردار غیاث آباد		تقدیر گرمسیر	
رزاقیان گرمسیر		مرتضوی غیاث آباد		خانه ساباط سرده	
حاجی محمد ایزدیناه گرمسیر		عبدالحسین خردمند گرمسیر		حاجی خانم ایزدیناه گرمسیر	

تالار پشت به آفتاب در جهت قبله	تالار پشت به آفتاب عمود بر جهت قبله	تالار رو به آفتاب
مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک با جانمایی تالار	مشخصات خانه و محله
استواری سرده	طهماسبی سرده	قرایی گرمسیر
علی اکبر حاجی خان سرده	منصوری سرده	خانه‌ای در محله باغ‌مور تین

شکل ۸: گونه تالاردار با الگوی حیاط مرکزی در بستر مسطح (سمت راست خانه حاجی علی اکبر حاجی خان در محله سرده) و الگوی خطی و تالار رو به آفتاب در بستر شیب‌دار (سمت چپ خانه محمود فلاح در محله باغ خندان)



و انبار کردن در یکی از اتاق‌های خانه برای تغذیه زمستانی احشام خانگی، دانه کردن انار و خشک کردن آن، گرفتن رب انار، خشک کردن میوه‌های تابستانی، پوست کندن و خشک کردن بادام، شعربافی و تولید سایر منسوجات، تخت‌کشی گیوه و گیوه‌بافی، پرورش کرم ابریشم و ابریشم‌گیری که تفت در آن سرآمد بوده^۱ را در طول سال فراهم می‌کردند.

۵-۲- گونه شکم‌دریده (حیاط مرکزی با اندام میانی شکم‌دریده)

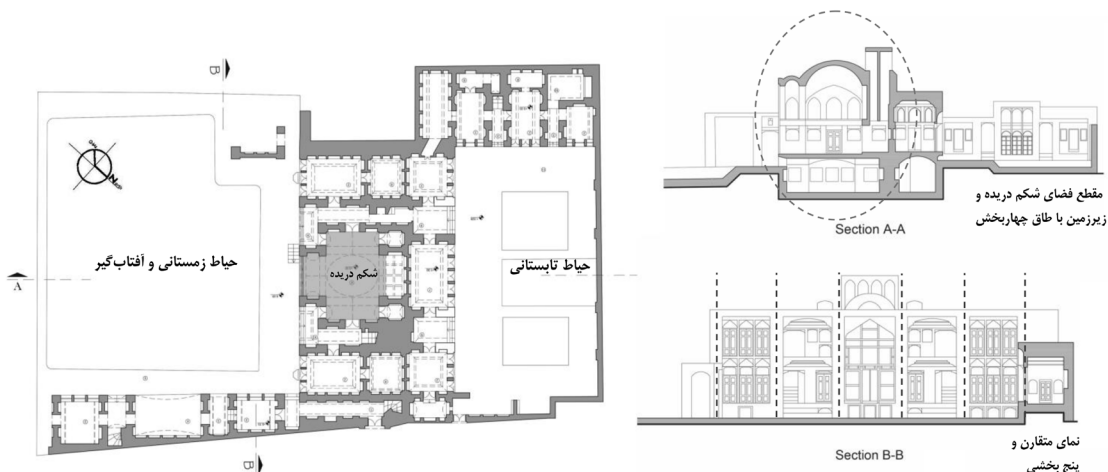
گونه حیاط‌دار با اندام میانی شکم‌دریده، اعیانی‌ترین الگوی ساخت در شهر تفت بوده و قدمت استفاده از آن بر

همان‌طور که مشخص است، گونه تالاردار امکانات زیاد و متنوعی در ساخت یک خانه پیش روی ساکنین و معمار آن می‌گذارد. اهالی با توانایی‌های مالی و نیازهای متفاوت، و معماران با زمین‌هایی که در موقعیت‌های مختلف قرار داشت، می‌توانستند از این گونه به عنوان یک الگوی مناسب بهره ببرند. این گونه ساخت، با داشتن فضاهایی ساده و در عین حال اقلیمی، ظرفی مناسب برای تحقق زندگی اهالی تفت بوده که عجین شده با باغداری و دامداری است. خانه‌های تالاردار با در اختیار گذاشتن فضاهایی همچون اتاق‌ها، حیاط، بام و به طور خاص تالارها، علاوه بر جاری ساختن زندگی فردی و اجتماعی روزمره ساکنین، امکان انجام مجموعه فعالیت‌های تولیدی مرتبط با باغ و دام، نظیر خشک کردن برگ درختان جمع‌آوری شده از باغ‌ها

آمدن ارتفاع سقف زیرزمین و نیاز به پر کردن و تسطیح آن طبقه برای ساخت طبقه همکف بوده است (Pirnia 1994). در گونه شکم دریده علاوه بر فضای میانی، راهروها و اتاق‌های دیگر نیز به صورت کاملاً متقارن نسبت به محور میانی، در یک یا دو طبقه مجزا به بنا اضافه می‌شوند. این نظام فضایی و سازه‌ای، در نهایت نمایی کاملاً متقارن با تقسیمات سه، پنج، هفت یا نه‌بخشی ایجاد می‌کند (شکل ۹). در این گونه، پوشش سقف اتاق‌های جانبی در طبقه اول، طاق آهنگ یا کلیل بوده و در طبقه دوم در جهت کوچک‌تر کردن نیروهای جانبی، از طاق کژاوه استفاده شده است. در ساخت خانه با این الگوی تخصصی، همواره مقدماتی همچون خواست مالک در استفاده از این الگو، توانایی مالی او و زمینی بزرگ در بستری مسطح، لازم بوده است.

اساس نمونه‌های موجود، به اواخر دوره زندیه یا اوایل قاجار بازمی‌گردد. اصلی‌ترین عنصر شخصیت‌دهنده به این گونه، فضایی صلیبی‌شکل به نام شکم‌دریده می‌باشد. این فضا، در محور تقارن و رو به حیاط یا باغ خانه قرار می‌گیرد. از منظر سازه‌ای، اتاق شکم دریده در میان دارای یک طاق کلنبو بوده و این طاق از سه یا چهار طرف با طاق‌های کژاوه احاطه شده است. از منظر فضایی، اتاق شکم‌دریده ارتفاعی معادل دو طبقه داشته و با باز شدن ارسی یا چند در و پنجره (سه‌دری)، با حیاط در ارتباط قرار می‌گرفته است. در بخش انتهایی این اتاق (جهت مقابل ارسی) نیز می‌توانسته یک بادگیر در وسط یا دو بادگیر در گوشه‌ها، وجود داشته باشد. این بادگیرها تا زیرزمین ادامه دارند. در فضای زیرزمین، کارشوی صلیبی‌شکل شکم‌دریده، با طاق چهاربخش که از تقاطع دو طاق آهنگ بوده، پوشیده شده است. استفاده از طاق چهاربخش به منظور جلوگیری از بالا

شکل ۹: یک نمونه از خانه‌های گونه شکم‌دریده در شهر تفت؛ در این خانه، فضای شکم‌دریده رو به آفتاب بوده و دارای بادگیر نیز می‌باشد. (خانه شیخ الاسلامی در محله پاچنار)



ایجاد آسایش حرارتی بیشتر در فصول گرم سال، یک جبهه دیگر یا حیاط تابستانی در کنار جبهه اصلی بنا ساخته می‌شده است (جدول ۳). تعداد اندک خانه‌های ساخته‌شده با الگوی شکم‌دریده و ناسازگاری‌های اقلیمی که به‌کارگیری این الگو ایجاد نموده، نشان می‌دهد به احتمال زیاد این گونه معماری، بومی محل نبوده و در یک دوره زمانی خاص از مکانی دیگر به شهر تفت سفر کرده است. استفاده از این گونه ساخت در شهر تفت، تاییدی بر نگاه راپاپورت داشته که می‌گوید "در برخی مکان‌ها برای ساخت خانه‌ها حتی اقلیم برای بالا بردن مقام ساکنین در آن فرهنگ زیر سوال رفته است" (Rapoport 2009, 43). البته معماران تفتی در نهایت توانسته‌اند به تاسی از خانه‌های تالاردار رو به آفتاب و خانه‌های الگوی صفه‌دار که در ادامه توضیح داده خواهند شد، تغییراتی در این گونه ایجاد کرده و به حالت بهینه دست یابند. راه‌حل آن‌ها، ساخت تنها یک

در بررسی‌های میدانی، مجموعاً شش خانه با این الگو در تفت ساخته شده و هر یک تفاوت‌هایی از منظر جهت‌گیری و موقعیت استقرار اتاق شکم‌دریده با هم دارند. در برخی از خانه‌ها، جبهه اصلی بنا که اتاق شکم‌دریده نیز در مرکزیت آن قرار داشته، رو به آفتاب و در برخی دیگر پشت به آفتاب (هم راستا با جهت قبله) قرار می‌گیرد. در نمونه‌های پشت به آفتاب، جبهه اصلی و به تبع آن تمام فضاهای اصلی خانه در سایه قرار گرفته و تنها در تابستان به عنوان خانه ییلاقی قابل استفاده است. از این رو برای استفاده در تمام طول سال لازم بوده تا جبهه‌ای دیگر برای زمستان و رو به آفتاب ساخته شود. در نمونه‌هایی که جبهه اصلی رو به آفتاب واقع شده، اتاق شکم‌دریده در سراسر روز دارای آفتاب مستقیم بوده و در زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما از طرفی در همین نمونه‌ها، وجود بادگیر در اتاق شکم دریده رو به آفتاب، یک تعارض اقلیمی ایجاد می‌کرده است. در این‌جا برای

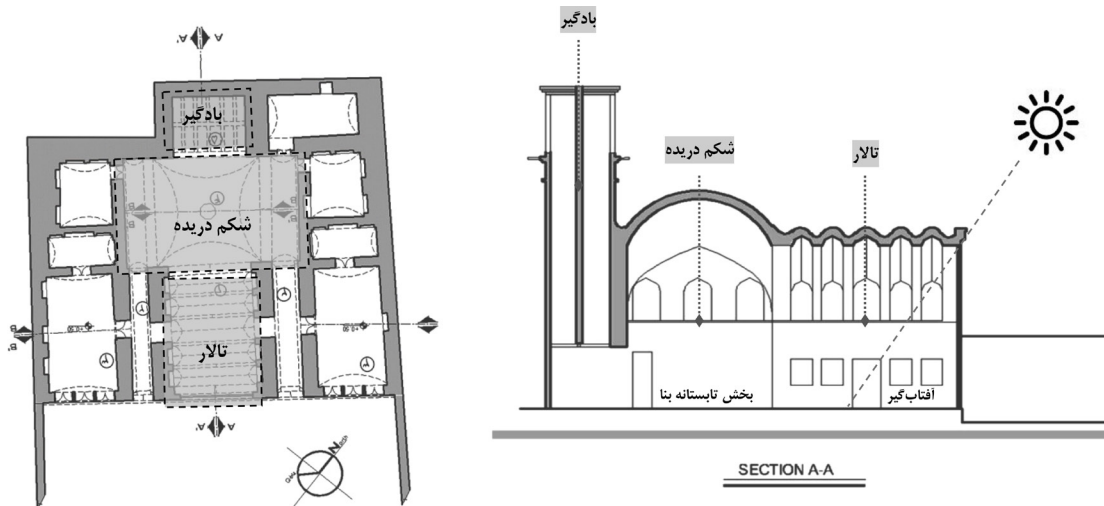
قرار گرفته و بخش تابستانی بنا را ایجاد می‌کنند. سایر اتاق‌هایی که رو به آفتاب بودند نیز در تمام اوقات سال مورد استفاده قرار می‌گیرند (شکل ۱۰). در این خانه‌ها به فضای شکم‌دریده، طنبی می‌گفتند.

جبهه رو به آفتاب بوده است؛ این جبهه با قرار گرفتن یک تالار کشیده در جلوی بنا و انتقال اتاق شکم‌دریده به لایه عقب‌تر شکل می‌گیرد. در این وضعیت، تالار کشیده، اتاق شکم‌دریده و بادگیر به صورت متوالی در اتصال با همدیگر

جدول ۳: خانه‌های گونه شکم‌دریده در شهر تفت با دو جهت‌گیری مختلف رو به آفتاب و پشت به آفتاب

خانه‌های گونه شکم‌دریده در شهر تفت و موقعیت اندام شکم‌دریده در خانه					
مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک	مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک	مشخصات خانه و محله	پلان شماتیک
نعمت‌اللهی دربند میرزا		ایران اخوان شوده علیا		کربلایی حوض بلبلی	
کاظمی سلطان‌آباد		شیخ‌الاسلامی پاچنار		باغ صدری باغ گلابدان	

شکل ۱۰: ایجاد تالار در جلوی فضای شکم‌دریده و بادگیر برای متناسب‌سازی این گونه ساخت در شهر تفت (خانه کربلایی در محله حوض بلبلی)



اصفهان (صادرات میوه و ابریشم تفت به اصفهان)، این گونه معماری از آن‌جا به تفت راه یافته و برساو^۲ شده باشد.

۵-۳- گونه صفه‌دار (حیاط مرکزی با اندام میانی صفه)

گونه صفه‌دار (گونه ایوانی) یکی از قدیمی‌ترین الگوهای ساخت خانه در شهر تفت با ویژگی‌های سبکی است. در

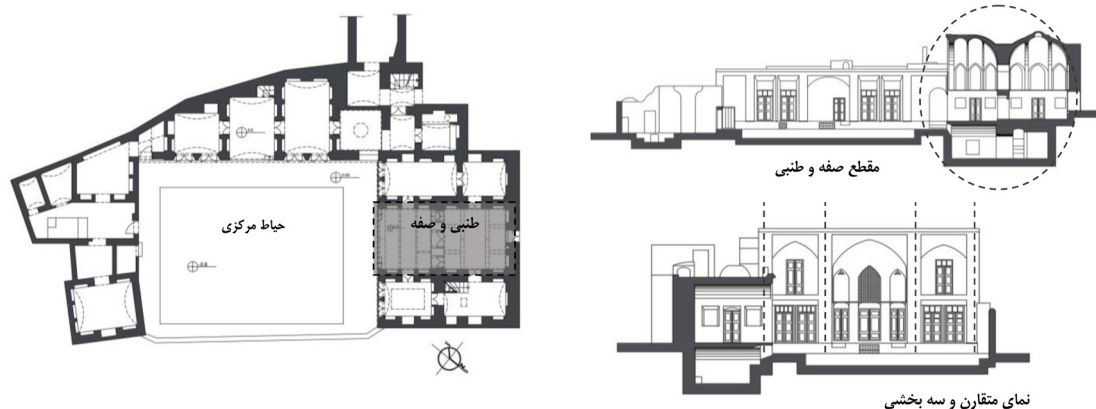
قالب معماری شکم‌دریده، قواعدی مشخص از منظر فضایی و سازه‌ای برای ساخت و گسترش داشته و ویژگی‌های سبکی آن بر صفات بومی‌اش غلبه دارد. از این گونه، در ساخت بسیاری از خانه‌های اعیانی در ایران به‌ویژه خانه‌های اصفهان، زواره، عمارت اصلی برخی از کاخ‌ها و غیره نیز استفاده شده است. به نظر می‌رسد با توجه به ارتباط‌های اجتماعی و تجاری دیرینه تفت با شهر

در همان یک جبهه صورت می‌گیرد؛ بدین نحو که با قرارگیری صفه و اتاق‌های رو به حیاط در مواجهه مستقیم با نور آفتاب، فضاهای مناسب زمستان و در یک لایه عقب‌تر، در طنبی و زیرزمین آن، فضاهای مناسب تابستان ایجاد شده است. در این گونه از خانه‌ها، فضای صفه، مکانی مناسب برای آفتاب کردن در زمستان، استفاده در عصر تابستان و انجام بسیاری از فعالیت‌های تولیدی اهالی خانه بوده است.

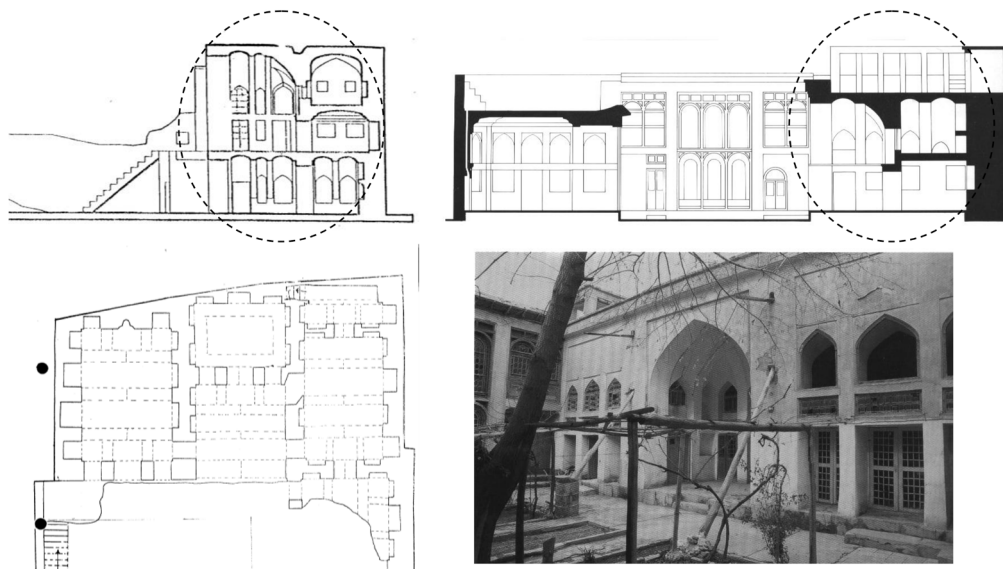
به طور کلی، تشابه زیادی بین گونه صفه‌دار و گونه شکم‌دریده وجود دارد، به نحوی که شاید بتوان گونه صفه‌دار را به عنوان گونه پایه برای گونه شکم‌دریده قلمداد نمود. مشابه آن‌چه در گونه شکم‌دریده گفته شد، خانه‌هایی در شهر اصفهان مشاهده می‌شود که شباهت زیادی با خانه‌های صفه‌دار در تفت دارند (شکل ۱۲).

بررسی‌های میدانی، تنها دو خانه‌ی ساخته‌شده با این الگو که متعلق به دوران صفوی هستند، یافت شد. خصوصیت بارز این خانه‌ها، قرارگیری صفه‌ای نسبتاً عمیق و اتاق طنبی به بلندای دو طبقه در مرکزیت جبهه اصلی بنا و رو به آفتاب است. در ادامه، به صورت متقارن در طرفین فضای میانی، اتاق‌هایی در طبقه پایین و بالا استقرار یافته و نمایی سه‌بخشی ایجاد می‌کنند. از منظر نظام سازه‌ای، پوشش فضای صفه، طاق کژاوه بوده که در مواردی در موقع اتصال آن به دیوار انتهایی، از دو باریکه طاق عمود بر سازه کژاوه نیز استفاده می‌شده است. پوشش آسمانه طنبی نیز طاق‌بندی (طاق با باریکه طاق) است. پوشش سقف اتاق‌های طرفین فضای مرکزی، در طبقه پایین طاق آهنگ و طبقه بالا، طاق کژاوه بوده است (شکل ۱۱). از منظر اقلیمی، در خانه‌های گونه صفه‌دار، کوچ فصلی

شکل ۱۱: یک نمونه از محدود خانه‌های گونه صفه‌دار در شهر تفت متعلق به دوران صفویه (خانه بی بی خردمند). در این خانه، فضای صفه رو به آفتاب و اتاق طنبی در پشت آن جای می‌گیرد.



شکل ۱۲: تشابه برخی خانه‌های اصفهان با گونه صفه‌دار در تفت؛ خانه زوولیان (تصویر راست) و خانه ریاحی (تصویر چپ) در اصفهان



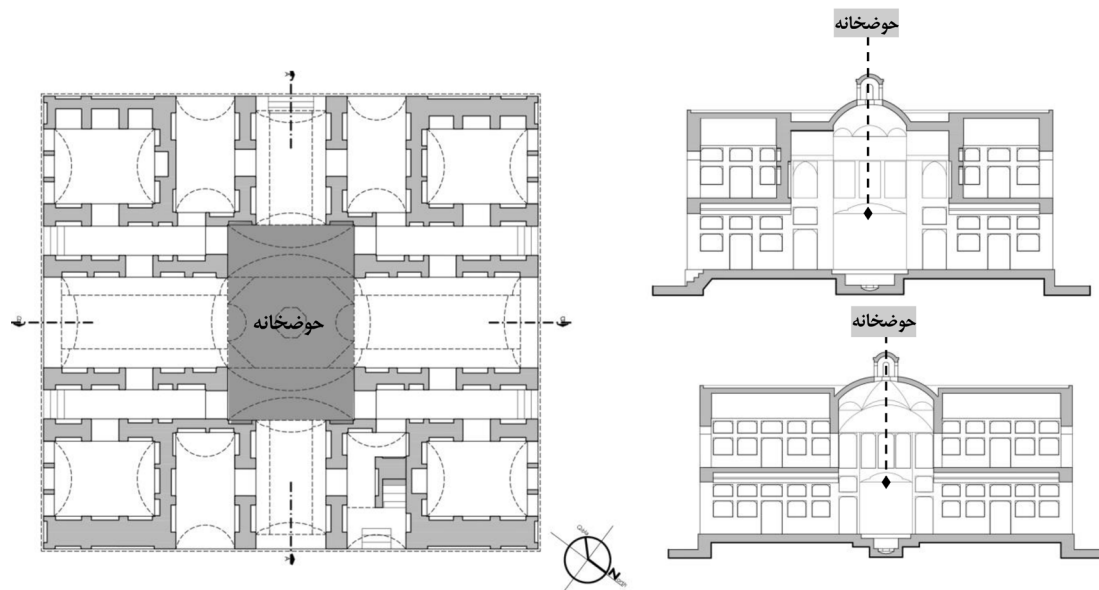
(Tahbaz et al. 2015)

۵-۴- گونه کوشکی

گونه کوشکی بر خلاف سه گونه دیگر که حیاط یا باغی کوچک را احاطه می‌کردند، بنا در میان باغی بزرگ نشسته و از چهار سو با اطرافش در ارتباط مستقیم است. در مرکز این کوشک، یک کلاه فرنگی با کارشیو مربع یا مستطیل شکل، با پوشش طاق کلبو با گوشه‌سازی فیلیپوش قرار داشته و در سطح زمین، حوض و مسیرهایی برای ورود و خروج آب به آن موجود است (شکل ۱۳). بدین جهت، به فضای مرکزی این دسته از خانه‌ها، حوض‌خانه می‌گویند. به‌طور کلی، در شهر تفت در خانه‌هایی که فئات در سطح

یا در زیر زمین از آن‌ها عبور می‌کرده، قابلیت ساخت فضاهایی نظیر، پایاب، آب انبار، پاکنه و حوض‌خانه نیز وجود داشته است. در این میان، حوض‌خانه‌ها یکی از برجسته‌ترین فضاها بوده‌اند که متناسب با موقعیت زمین و مسیر عبور آب از خانه، در گوشه‌ای از بنا یا در اتصال با تالارها ساخته شده و کارکردهای متنوعی داشتند. تمامی حوض‌خانه‌ها به عنوان یک اندام فضایی، سازه‌ای مشابه با فضای مرکزی در گونه کوشکی دارند، با این تفاوت که حوض‌خانه در گونه کوشکی، نقش مرکزی در پیکره‌بندی و نظام فضایی و سازه‌ای بنا ایفا می‌کند.

شکل ۱۳: یک نمونه از خانه گونه کوشکی؛ حوض‌خانه‌ای در شهر تفت متعلق به دوران قاجار (عمارت علی‌نقی‌خان در محله سلطان‌آباد). در این خانه، حوض‌خانه در وسط قرار گرفته و اطراف آن فضاهای دیگر چیدمان می‌شود.



۶. بحث

مطالعه گونه‌شناسانه خانه‌های تاریخی تفت، از قدیمی‌ترین آن‌ها که به نظر بازمانده از دوران صفوی است تا نمونه‌های متأخر که اصالت تاریخی خود را حفظ نموده‌اند، نشان داد که معماری خانه‌های تاریخی شهر تفت از تنوع گسترده‌ای در ساخت بهره برده‌اند. در این پژوهش، چهارگونه اصلی خانه‌های تالاردار، شکم‌دریده، صفهدار و کوشکی شناسایی گردید. خانه‌های تالاردار به عنوان رایج‌ترین و بومی‌ترین گونه که تودستی معماران بوده و قابلیت تغییر و گسترش زیادی داشت، مطرح شد. در نحوه استفاده گونه تالاردار در موقعیت‌های مختلف، به نقش بستر قرارگیری، شکل و ابعاد زمین، جهت اقلیمی و نیازهای کارفرما اشاره گردید. خانه‌های گونه شکم‌دریده و صفهدار که جنبه‌های سبکی و اعیانی آن‌ها پررنگ‌تر بوده، نیز بخشی دیگر از الگوهای ساخت خانه در تفت را شکل می‌دادند. به نظر می‌رسد، این دو گونه و به‌طور خاص گونه شکم‌دریده به تأسی از الگوهای معماری خانه‌های

در گونه کوشکی، اتاق‌های دودری، سه‌دری، شاه‌نشین و راهروها دورتادور حوض‌خانه قرار گرفته و ارتباطی دوسویه با درون (حوض‌خانه) و بیرون (باغ) دارند. در این خانه‌ها، فضاهای واقع در پوسته بیرونی بنا در دو جبهه رو به آفتاب و دو جبهه پشت به آفتاب شکل گرفته و هسته مرکزی (حوض‌خانه) نیز فضایی مطبوع برای استفاده در تابستان می‌باشد. در الگوی کوشکی عمارت سردر و فضاهای خدماتی خانه نظیر مطبخ، طویله و غیره در حاشیه پیرامونی باغ و در مکانی دورتر از عمارت کوشک ساخته می‌شوند.

اصلی‌ترین بنای به‌جای مانده در شهر تفت که با این الگو ساخته شده، کوشک باغ علی‌نقی‌خان است که متعلق به دوران قاجار می‌باشد. این عمارت در زمان حکومت علی نقی خان فرزند محمدتقی خان بافقی از خوانین محلی یزد (Baštani Parizi 1977) بنا شده است. سایر خانه‌های ساخته‌شده با این الگو، از کوشک باغ علی نقی خان الهام گرفته و در زمین‌هایی در فاصله نزدیک به آن بنا گردیده‌اند.

که از آن محیط داشتند، این پدیده‌ها را به خدمت گرفته و در آن به شیوه و فرهنگ خاص خود زندگی و همسازی می‌کردند. در این‌جا معماری و به‌طور خاص خانه‌ها، نقش میانجی یا واسطه بین انسان و محیط (در معنای عام آن) را داشته و ظرفی برای تحقق یافتن آن شیوه زندگی می‌شدند.

در کنار این تنوع در سکونت و گوناگونی در ساخت‌وساز، همچنان معماری شهر تفت همگن و هم‌جنس به نظر می‌رسد؛ زیرا معماری یک شهر پیش از آن که تابعی از گونه‌های ساخت‌نشأت یافته از ذهن معمار باشد، متأثر از یک‌سری ویژگی‌های پایه‌ای و ذاتی است که خصلت و طبع معماری آن شهر را ایجاد کرده‌اند. این ویژگی‌های پایه‌ای، راهبردهای طراحی را تحکیم می‌کنند؛ به‌نحوی که آن راهبرد در درون تمام گونه‌ها با شکلی ویژه و هماهنگ با سایر اجزا در آن گونه، تجلی یافته است. عمل کردن بر مبنای این ویژگی‌های ذاتی، به‌واسطه فهم مشترک و مشاعی است که به مرور زمان میان باشندگان و معمار در یک مکان شکل گرفته است.

۷. نتیجه‌گیری

این نوشتار با رویکرد گونه‌شناسانه به مطالعه خانه‌های تاریخی تفت از دوران صفوی تا قاجار پرداخت و در پاسخ به پرسش‌های پژوهش چهار قالب اصلی ساخت معماری را معرفی و نحوه به‌کارگیری هر یک در موقعیت‌های مختلف را تبیین نمود. قدیمی‌ترین نمونه خانه‌های موجود در این مطالعه که تعداد بسیار کمی از آن‌ها نیز باقی مانده بود، به نظر متعلق به دوران صفوی و سایر نمونه‌ها متعلق دوران قاجار بودند. اطلاق دوره ساخت به خانه‌ها نیز بر اساس شواهد معماری، وجود برخی اندام‌های سازه‌ای و منابع شفاهی صورت پذیرفت. از این رو بازسازی روند پیدایش، رشد و دگرگونی گونه‌ها به دلیل عدم وجود تاریخ دقیق ساخت، و تعداد محدود نمونه‌ها در برخی از گونه‌ها، با محدودیت‌های مواجه بود.

این مطالعه، به عنوان اولین قدم، با نگاه پسینی به شناخت گونه‌های معماری در یک بستر که معمار گذشته بر مبنای آن‌ها به طراحی و اجرای خانه می‌پرداخته، دست یافت. در ادامه، داده‌ها و نتایج موجود از این مطالعه می‌تواند مقدمه‌ای برای پژوهش‌های گسترده آتی باشد؛ مطالعه با رویکردهای کمی و کیفی در حوزه اقلیمی، فرهنگی-اجتماعی و تاریخی-تداومی که نتایج هر یک می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای طراحان و معماران امروز داشته باشد.

اصفهان و به درخواست و انتخاب مالکان متمول‌شان، توسط معماران مورد استفاده قرار گرفته‌اند. الگو شکم دریده در بدو ورود به تفت، ناسازگاری‌هایی با اقلیم داشته که به مرور زمان با تجربه اندوزی معماران، این چالش‌ها مرتفع گردیده است. گونه چهارم، الگوی کوشکی است که برون‌گرا بوده و تعداد اندکی خانه در موقعیت‌هایی که دسترسی به آب قنات در سطح بوده، بر اساس آن ایجاد شده است. در مجموع، هر یک از این گونه‌ها (قالب‌های ساخت) به عنوان یک شما در ذهن معمار وجود داشته است. معمار یک بنا در موقعیت‌های مختلف و با درک نیازهای محیطی و انسانی باشند، با مراجعه به آن تصاویر ذهنی، الگویی برای ساخت، انتخاب و آن را در موقعیت تنظیم کرده است. البته برای یک آبادی، همواره امکان مواجهه و ورود یک‌باره گونه‌های معماری مسافر یا وارداتی از مکان‌های دیگر به فرهنگ ساخت و ساز آن بوم نیز وجود داشته است. تجربه مطالعه خانه‌های شهر تفت نشان می‌دهد، این گونه‌ها در بدو ورود و برای متناسب‌سازی با شرایط محیطی و انسانی مکان جدیدشان، دچار تغییراتی شده‌اند. برخی تغییرات ساده و مقدماتی بوده و از همان ابتدا توسط معماران اعمال شده؛ نظیر تغییر در استفاده از مواد و مصالح و به‌کارگیری مصالح بوم‌آورد، و برخی دیگر ثانویه و پیچیده‌تر بودند. تغییرات ثانویه نیاز به زمان و کسب تجربه بیش‌تر توسط معمار برای حل آن مسئله داشته است؛ نظیر تغییر در ساختار و آرایش فضایی خانه. در این‌جا معماران با بهره‌گیری از تجربیات پیشین خود و راهکارها و ترکیب‌های فضایی-سازه‌ای به‌کار رفته در گونه‌های دیگر، دست به تغییر و اصلاح آن گونه غیربومی زده و در نهایت سبب پذیرش آن گونه مسافر در مکان می‌شدند. این امر سبب شده تا گونه‌های ترکیبی نیز شکل بگیرند.

نتایج این پژوهش از منظر نحوه شکل‌گیری گونه‌های معماری در بستر یک مکان، بیان‌گر آن است که عوامل متعدد و پیچیده‌ای در ایجاد قالب‌های معماری و به‌کارگیری آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، نقش داشته و ارائه دلیل واحد برای آن کفایت نمی‌کند. از این رو در محیط‌های با اقلیم یا حتی ویژگی‌های فرهنگی مشابه، می‌توانست گونه‌های متفاوتی برای ساخت خانه‌ها وجود داشته باشد؛ زیرا، در یک بوم، جغرافیا، آب و هوا، نور، بستر، فرهنگ، مذهب، معیشت، و غیره به عنوان یک‌سری داده‌های کمی و مجزا از هم تلقی نمی‌شدند و همه این‌ها، صورتی همگن از هستی یک مکان یا سایت را به‌وجود می‌آوردند. ساکنین آن مکان با زیست-جهان و تجربیاتی

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تاییدیه اخلاقی

نویسنده متعهد می‌شود که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده است و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهد.

درصد مشارکت

نویسنده اول: ۱۰۰ درصد

پی‌نوشت

۱. زیگريد هونگه (۱۹۶۰) نویسنده غربی در کتاب «فرهنگ اسلام در اروپا» معتقد است دلیل نام‌گذاری پارچه فرانسوی گران‌قیمت «تافته»، استفاده از ابریشم مرغوب شهر تفت می‌باشد که تافته همان تفت است.
۲. برساو کردن اصطلاحی که استاد پیرنیا برای متناسب‌سازی یک طرح، الگو و غیره به کار برده‌اند. این کلمه به معنای اطراف چیزی را ساییدن، ساده کردن، پرداخت کردن، می‌باشد.

فهرست منابع

- Alalhesabi, Mehran. 1993. *Rural Housing Pattern: A Research on Residential Architecture in Khorasan Province*. Khorasan: Islamic Revolution Housing Foundation. [in Persian]
- Askarizad, Reza. 2018. "Influence of Socio-Cultural Factors on the Formation of Architectural Spaces (Case Study: Historical Residential Houses in Iran)". *Creative city design* 1(1): 29-36. <http://oiccpres.com/crcd/article/view/7592/4252>.
- Balali Oskoyi, Azita, and Samaneh Dehghan. 2021. "Physical typology of Qajar houses in Urmia". *Armanshahr Architecture & Urban Development* 14(37): 1-14. https://www.armanshahrjournal.com/article_147100.html. [in Persian]
- Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim. 1977. *Khatoon Haft Ghal'eh (A collection of historical articles)*. Tehran: Amirkabir Publication. [in Persian]
- Bromberger, Christian. 1991. *Housing and architecture in the rural community of Gilan*. Translated by Alaodin Gooshegir. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [in Persian]
- Caniggia, Gianfranco. 1963. *Lettura di una Città: Como*. Roma: Centro Studi di Storia Urbaniistica.
- Fardanesh, Farzin, Mohammad Hoseini, Parisa. and Heidari, Ali Akbar. 2022. "Salmasi House in Tabriz: A Cultural Analysis On the Base of Amos Rapoport's Viewpoints". *Journal of Iranian Architecture Studies* 3(5): 81-99. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111724.html?lang=en. [in Persian]
- Formolly, Aimal, and Mohammad Hossain Sarai. 2024. "Socio-cultural transformations in modernity and household patterns: a study on local traditions housing and the impact and evolution of vernacular architecture in Yazd, Iran. City". *Territory and Architecture* 11(1): 15. <https://link.springer.com/article/10.1186/s40410-024-00236-6>.
- Ghasemi Sichani, Maryam, and Gholamhossein Memarian. 2011. "Typology of Ghajar Era House in Isfahan." *Hoviatshahr* 7(2): 78-98. <https://sanad.iau.ir/Journal/hoviatshahr/Article/795512>. [in Persian]
- Habibi, Mohsen and colleagues. 1988. *Typology of rural housing: Chaharmahal and Bakhtiari Province*. Tehran: Building & Housing Research Center. [in Persian]
- Habibi, Mohsen, et al. 1988. *Typology of rural housing: Ilam Province*. Tehran: Building & Housing Research Center. [in Persian]
- Habibi, Mohsen, et al. 1986. *Typology of rural housing: Khuzeestan Province*. Tehran: Building & Housing Research Center. [in Persian]
- Hojjat, Eisa. 2012. *Sonnat va Bedat in Iranian architectural education*. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Hunke, Sigrid. 1960. *Allahs Sonne uber dem Abendland*. Translated by Morteza Rohbani. Tehran: Daftar-e Nashr Farhang Eslami. [in Persian]
- Jeihani, Abolghasem Ibn Ahmad. 1989. *Ashkal Al-alam*. Translated by Ali Ibn Abdosalem. Tehran: Beh Nashr. [in Persian]
- Kamalipour Hesam, Memarian Gholamhossein, Mohsen Faizi, and Seyed Mohammad Farid Mousavian. 2012. "Formal Classification & Spatial Configuration in Vernacular Housing: A Comparative Study on the Zoning of the Reception Area in Traditional Houses of Kerman Province". *Journal of Housing and Rural Environment* 31(138): 3-16. https://jhre.ir/browse.php?a_id=404&sid=1&slc_lang=en. [in Persian]
- Kateb, Ahmad Ibn Hossein Ibn Ali. 1978. *New History of Yazd*. Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir. [in Persian]
- Khakpour, Mojgan, Ansari, Mojtaba and Tahernian, Ali. 2010. "The typology of houses in old urban tissues of Rasht". *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning* 2(41): 29-42. https://jfaup.ut.ac.ir/article_22266.html?lang=en. [in Persian]
- Mahmoudinejad, Hadi. 2009. *Turkmen vernacular housing: typology and physical considerations*. Tehran: Nashr Tahan. [in Persian]
- Mazumdar, Sanjoy, and Shampa Mazumdar. 1997. "Intergroup social relations and architecture: Vernacular architecture and issues of status, power, and conflict". *Environment and Behavior* 29(3): 374-421. <https://doi.org/10.1177/001391659702900304>
- Mazumdar, Sanjoy, and Shampa Mazumdar. 1997. "Religious traditions and domestic architecture: A comparative analysis of Zoroastrian and Islamic houses in Iran". *Journal of architectural and Planning Research* 14(3): 181-208. <https://www.jstor.org/stable/43030208>.
- Memarian, Gholamhossein. 1994. *Introduction to Iranian residential architecture; introverted typology*. Tehran: Iran University of Science & Technology. [in Persian]
- Memarian, Gholamhossein. 1994. *Introduction to Iranian residential architecture; extroverted typology*. Tehran: Iran University of Science & Technology. [in Persian]
- Memarian, Gholamhossein. 1998. *House typology in Iran: With special reference to Shiraz*. Ph.D Thesis. University of Manchester.

- Memarian, Gholamhossein. 2014. *The basis of architectural design*. Tehran: Naghmeh Now Andish Publication. [in Persian]
- Memarian, Gholamhossein, and Mohsen Dehghani Tafti. 2018. "Seeking to Find a Novel Concept to Type and Typology in Architecture (Case study: Vernacular Houses in Taft, Type of Tallardar)". *Journal of Housing and Rural Environment* 37(162): 21-38. https://jhre.ir/browse.php?a_id=1519&sid=1&slc_lang=en. [in Persian]
- Memarian, Gholamhossein, Seyyed Majid Hashemi Toghr Oljerdi, and Hesam Kamalipour. 2010. "The impact of religious culture on organization of houses". *Journal of Iranian Cultural Research* 3(2): 1-25. <https://sid.ir/paper/136914/en>. [in Persian]
- Moneo, Rafael. 1978. "On Typology". *Oppositions* 13: 23-45. <https://www.scribd.com/document/355925735/MO-NEO-Rafael-On-Typology-Oppositions-13-1978>.
- Norberg-Schulz, Christian. 1984. *The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture*. New York: Rizzoli.
- Pirnia, Mohammadkarim. 1994. "Arches and vaults". *Asar* 24: 5-220. [in Persian]
- Raheb, Ghazal, and Abbas Tarkashvand. 2011. *Typology of rural housing: Mazandaran Province*. Tehran: Islamic Revolution Housing Foundation. [in Persian]
- Rahimieh, Faranghis, and Mostafa Roboubi. 1974. *Architecture of the warm and semi-humid climate of Dezful and Shushtar*. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Rahimipour, Niloofar, Kourosh Attarian, and Mohammad Didehban. 2020. "Rural Housing Typology of Boroujerd County Based on Structural-Physical Vernacular Patterns (Case Study: Kuschki-e-sofla Village)". *Journal of Housing and Rural Environment* 39(171): 35-48. <https://jhre.ir/article-1-1904-en>. [in Persian]
- Rapoport, Amos. 2009. *Pour une anthropologie de la maison*. Translated by Khosro Afzalian. Mashhad: Ketabkadeh Kasra. [in Persian]
- Soltanzadeh, Hossein, and Maziar Ghaseminia. 2012. "Typology study of the physical-functional structure of residential architecture in Golestan province". *Armanshahr Architecture & Urban Development* 7(4): 1-15. https://www.armanshahrjournal.com/article_32678.html?lang=en. [in Persian]
- Tahbaz, Mansoureh, Kambiz Hajighasemi, and Maryamdokht Mousavirozati. 2015. *Ganjnameh of Culture of Islamic Architectural Works of Iran (Houses of Isfahan)*. Tehran: shahid Beheshti University. [in Persian]
- Tavassoli, Mahmoud. 1974. *Urban structure and architecture in the hot arid Zone of Iran*. Tehran: Tavassoli. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

دهقانی تفتی، محسن. ۱۴۰۵. گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی شهر تفت از دوران صفوی تا اوایل پهلوی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۹(۵۴): ۸۹-۱۰۶.

DOI: 10.22034/AAUD.2026.552899.3002

URL: https://www.juep.net/article_247096.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

